

نقش زن در موفقیت همسر

عذرا انصاری*

مقدمه

انسان‌ها را می‌توان به دو گروه موفق و ناموفق تقسیم کرد، انسان‌های موفق کسانی هستند که از موانع و مشکلات زندگی گذر کرده و در تحولات جامعه موثر بوده‌اند، اما انسان‌های ناموفق در عبور از دریای متلاطم زندگی به ساحل نجات نرسیده‌اند. در اینجا این پرسش مطرح است: چرا برخی موفق و برخی ناموفق هستند؟ جواب این است: در موفقیت و یا شکست انسان‌ها عوامل متعدد نقش دارند. یکی از آن‌ها زن می‌باشد. جمله مشهور «در پشت موفقیت‌های هر مرد، یک زن ایستاده است» حقیقتی انکارناپذیر است. در زندگی دانشمندان و اندیشمندان بزرگ همیشه یک زن حضور داشته است؛ زنی که در نقش مادر یا همسر، مرد را در مسیر موفقیت همراهی کرده است. یکی از این زنان حضرت خدیجه ع.ا.س. است که در موفقیت رسول اعظم ص.ا.ع.، مهم‌ترین نقش را ایفا نموده است.

* نویسنده و پژوهشگر.

این نوشتار در محورهای زیر سامان یافته است:

۱. ایجاد آرامش

بدون تردید، غالب کشمکش‌های خانوادگی به دلیل فقدان آرامش در کانون خانواده است. علاوه بر این بسیاری از اختلالات رفتاری و کژروی‌های اجتماعی، مثل اعتیاد به الکل و مواد مخدر در ناامنی روانی و فقر عاطفی در بین همسران ریشه دارد.^۱

بنابر این موفقیت مرد در روند زندگی، مستلزم آرامش است، به‌ویژه مردانی که فعالیت‌های پژوهشی انجام می‌دهند. فضای خانه چنین مردانی، باید بیش از دیگران سرشار از آرامش باشد. فراهم کردن این محیط برعهده زن است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا با آنها آرام گیرید و میان‌تان مهر و رحمت نهاد. حضرت زهرا علیها السلام فضای آرام را در خانه فراهم می‌نمود. علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكِّسِفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ»^۳ هرگاه به خانه می‌آمدم و به فاطمه می‌نگریستم، همه‌ی اندوهم برطرف می‌شد.

حضرت خدیجه نیز مهم‌ترین نقش را در آرامش خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایفا می‌نمود. وی در دوران بعثت و حتی پیش از آن، به خاطر پیامبر دچار سختی‌های فراوان گشت؛ اما کوچک‌ترین ناراحتی از خود نشان نمی‌داد.

۲. احترام

یکی از نیازهای مهم انسان‌ها حفظ حرمت آنهاست. در عرصه زندگی خانوادگی نیز رعایت این امر بایسته است؛ یعنی زن و شوهر باید حرمت همدیگر را حفظ کنند. احترام زن به شوهر، به او توانایی می‌دهد و برای زندگی و موفقیت برتر آماده می‌گرداند. از این رو، زن باید سعی کند هنگام ورود مرد به خانه، در را باز کند و با لبی خندان و چهره‌ای باز به استقبالش برود و هنگام رفتن از منزل، او را بدرقه نماید. همین عمل کوچک، تأثیر شایسته‌ای در روح شوهر دارد. امام صادق علیه السلام

۱. افروز، غلامعلی، همسران برتر، ص ۲۹.

۲. روم، آیه ۲۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

می فرماید: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرَمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَتُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ؛^۱ خوشا به سعادت زنی که شوهرش را بزرگ شمارد و به او آزار نرساند و همیشه مطیع همسرش باشد.»

حکایت: کارگزار خدا

مردی خدمت رسول خدا ﷺ رفت و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می شوم، به استقبال می آید و چون از خانه بیرون می روم، بدرقه ام می کند. زمانی که مرا اندوهگین می بیند، می گوید اگر برای رزق و روزی (مخارج زندگی) غصه می خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می خوری، خدا اندوهت را زیاد کند (بیشتر به فکر آخرت باشی). پیغمبر فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ؛^۲ برای خدا کارگزارانی است و این زن، یکی از کارگزاران خداست که پاداش او، برابر با نیمی از پاداش شهید است.»

خدیجه: زنی نمونه

یکی از ویژگی های خدیجه رضی الله عنها احترام به رسول اعظم صلی الله علیه و آله بود؛ وی گرچه در حجاز موقعیت ویژه داشت، اما در برخورد با پیامبر صلی الله علیه و آله احترام فراوانی قایل بود. وقتی مراسم عقد ایشان با پیامبر پایان یافت و رسول خدا خواست به خانه ابوطالب باز گردد، خدیجه گفت: «إِلَى بَيْتِكَ فَبَيْتِي بَيْتُكَ وَ أَنَا جَارِ بَيْتِكَ؛^۳ به خانه خودتان وارد شوید. خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.»

۳. محبت

شکسپیر می گوید: «آنچه در زن قلب مرا تسخیر می کند مهربانی اوست؛ نه روی زیبایش. من زنی را بیشتر دوست دارم که مهربان تر باشد.»^۴

مرد دوست دارد محبوب همسرش باشد. اگر زن به شوهر محبت کند، شوهرش هم به زندگی علاقه مند می شود و در همه کارها موفق خواهد شد، اما اگر شوهر بداند که محبوب زنش نیست، احساس تنهایی و غربت می کند و همیشه ناراحت و مضطرب است. زن برتر با عشق ورزیدن به

۱. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۹۰.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴.

۴. امینی، ابراهیم، آیین همسر داری، ص ۳۲.

شوهرش دل او را همیشه شاداب نگه می‌دارد و مانند «سکوی پرتاب» شوهرش را به عالی‌ترین موفقیت‌های علمی، معنوی و اقتصادی می‌رساند. البته باید توجه داشت که تنها محبت قلبی زن کافی نیست؛ بلکه باید آن را به زبان آورد. از این روز هنرمند لحظه‌ای از ابراز عشق به شوهر غافل نمی‌شود. خداوند به محبتی که بین زن و شوهر وجود دارد اشاره کرده است: «و از آیات خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی را آفرید تا با آنان انس بگیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد.»^۱ امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «بعضی زن‌ها برای شوهرشان بهترین غنیمت هستند؛ زانی که به شوهرشان اظهار عشق و محبت می‌کنند.»^۲

حضرت خدیجه علیها‌السلام نماد عشق و علاقه به رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود؛ چنانچه «لبخندها، مهربانی‌ها و محبت‌های حضرت خدیجه علیها‌السلام بود که در دوره رسالت، غبار اندوه را از چهره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌زدود. او بود که خاک و خاکستری را که جاهلان روزگار بر سرش می‌پاشیدند پاک می‌کرد و به پیامبر قوت قلب می‌داد.»^۳

امروزه اگر همسران بدانند که محبت، اکسیر زندگی بهتر است، به همسر و خویشاوندان او محبت می‌کنند، اما برخی از آن غافل هستند؛ مثلاً عروس خانواده تصور می‌کند که خانه میدان رقابت است؛ کسی در این میدان پیروز است که توپ را به زمین رقیب بیندازد، اما متوجه نیست که محبت دردها را دوا می‌کند. «الانسانُ عَبْدُ الْاِحْسَانِ»؛^۴ انسان بنده احسان است». یعنی: به هرکسی که محبت کنی، او را اسیر خود کرده‌ای. گفته‌اند: دختری پس از ازدواج نمی‌توانست با مادرشوهرش کنار بیاید و هر روز با او جر و بحث می‌کرد. عاقبت، دختر نزد داروسازی که دوست صمیمی پدرش بود رفت و از او تقاضا کرد که سمی به او بدهد تا بتواند مادرشوهرش را بکشد. داروساز گفت: اگر سم خطرناکی به او بدهد و مادرشوهرش بمیرد، همه به او شک خواهند کرد. پس معجونی به دختر داد و گفت: هر روز مقداری از آن را در غذای مادرشوهرت بریز تا سم معجون کم‌کم در او اثر کند و وی را بکشد. او هم چنین توصیه کرد: در این مدت با مادرشوهرت مدارا کن تا کسی به تو شک نکند. دختر معجون را گرفت و خوشحال به خانه

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.» (روم، آیه ۲۱).

۲. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۲.

۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۱۱۱.

۴. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۸۵.

برگشت و هرروز، مقداری از آن را در غذای مادرشوهر می‌ریخت و با مهربانی به او می‌داد. هفته‌ها گذشت و با مهر و محبت عروس اخلاق مادرشوهر هم بهتر و بهتر شد تا آنجا که روزی دختر نزد داروساز رفت و به او گفت: دیگر از مادرشوهرم متنفر نیستم. حالا او را مانند مادرم دوست دارم و دیگر دلم نمی‌خواهد که بمیرد. خواهش می‌کنم داروی دیگری به من بدهید تا سم را از بدنش خارج کند. داروساز لبخندی زد و گفت: دخترم، نگران نباش! معجونی که به تو دادم، سم نبود؛ بلکه سم در ذهن خود تو بود که حالا با عشق به مادرشوهرت از بین رفته است.^۱

۴. حمایت علمی

انسان برای رسیدن به موفقیت و خوشبختی بیش از آن که به حمایت مالی و مادی افراد نیاز داشته باشد به حمایت‌های معنوی دیگران نیاز دارد و در پرتو همین حمایت‌ها است که برخی افراد، قادر به فتح قله‌های بزرگ زندگی شده‌اند و توانسته‌اند به مراحل بالایی از علم دست یابند. از حق نباید گذشت که تعلیم و تربیت مردان و زنان بزرگ و تحویل افراد مفید، مخترع و نابغه به جامعه نیز بیشتر نشانه تأثیر و کارایی زنان و مادران است، اما نقش زنان و مادران در موارد بی‌شماری پررنگ‌تر از مردان است و رنج‌های آنان بیشتر. یکی از فرزندان علامه طباطبایی می‌گوید: «پدرم... صاحب اختیار خانه و امور آن را مادرم می‌دانستند. مادرم به کارهای درس ما رفت و آمدهایمان رسیدگی می‌کرد و همه مسائل را کنترل می‌کرد و به قدری با درایت عمل می‌کرد که پدرم با فراغت خاطر تمام به امور علمی خود می‌پرداختند».^۲

لوئی پاستور، شیمی‌دان معروف فرانسوی، ضمن یادآوری نقش مادرش در موفقیت او، از مادر خود قدردانی می‌نماید. وی هنگامی که به جهت نظریه‌های بدیع خود، به اوج افتخار جهانی می‌رسد، دولت فرانسه در صدد برمی‌آید خانه محل تولد او را، به موزه تبدیل کند. پاستور در ضمن سخنرانی مقابل آن خانه محقر، مادر خویش را فراموش نکرده و در حالی که سخت متأثر بود، با صدایی لرزان گفت: «ای مادر عزیز، ای گمشده دل‌بند که سالیانی دراز در این خانه با من به سر بردی، تویی که اکنون همه چیزم را مدیون تو می‌بینم! مادر شجاع و دلدارم. تمام حس فداکاری و شور و هیجانی که در راه عظمت علم و بزرگی میهنم به کار بسته‌ام و از این پس نیز به

۱. قدیری، محمدحسین، ماهنامه خانه خوبان ویژه خانواده‌ها، ش ۵۲ و ۵۳، ص ۸.

۲. <http://www.tebyan.net/newmobile=24916>.

کار خواهم بست، تو به من آموخته‌ای و در وجودم رسوخ داده‌ای. کار مشقت‌باری که تو در خانه و در کارگاه کوچک‌مان پیش گرفته بودی، به من درس صبر و حوصله در تحقیقات علمی آینده‌ام را داد. از آن‌گاه که با وجود فقر و مسکنت، مرا به مکتب فرستادی، عشق به میهن و خدمت به بشر را شب و روز به من آموختی.

اکنون از تو اجازه می‌خواهم، تمام سرافرازی و افتخاری را که میهنم در جشن امروز به من می‌بخشد، به پیشگاه با عظمت تو تقدیم کنم. همین قدر بدان، امروز اگر فرزندان در میان امواج افتخار و سربلندی غوطه‌ور است، باز هم خود را بدون تو، ای مادر عزیز، در این جهان بزرگ، تنها و بی‌پناه می‌بیند!»^۱

۵. خواسته‌های معقول اقتصادی

خواسته‌های اقتصادی خانواده را می‌توان به دو خواسته معقول و غیر معقول تقسیم کرد. خواسته منطقی و معقول آن است که زن، زندگی را بر وضع اقتصادی خانواده تنظیم نماید و مرد نیز با تلاش، رفاه اعضای خانواده را تأمین کند. اما خواسته‌های غیر منطقی آن است که زن خانواده، با توقعات، چشم و هم‌چشمی و تجمل‌گرایی خواسته‌هایی را مطرح نماید که با درآمد خانواده هم‌سویی ندارد و مرد نمی‌تواند آن را تأمین کند، زیرا اصلاح امکانات مالی و درآمد همه افراد، یکسان نیست. از این رو، عاقلانه نیست که برای تهیه امور غیر ضروری به قرض و نسیه دست بزنند. اگر فلان مد لباس را در تن خانمی دید، اما قدرت خرید آن را نداشت، همسرش را به تهیه آن وادار نکند. برخی زنان بادیدن وسیله‌ای لوکس، بی‌درنگ به هوس افتاده و با پافشاری بسیار، همسر خود را وادار می‌کنند که یا وام بگیرد و یا آن را قسطی بخرد. گاهی نیز ناچار می‌شود زندگی زناشویی را برهم‌بزند و یا خودکشی کند.

مردی که به خودکشی اقدام کرده بود وقتی به هوش آمد، گفت: من شاگرد راننده‌ام و سه سال است که ازدواج کرده‌ام. زنم توقعات بسیاری دارد، چون نمی‌توانم توقعاتش را برآورده کنم، همواره مرا سرزنش می‌کند. سرانجام، سرزنش‌های او مرا به‌سویه آورد و تصمیم به خودکشی گرفتم.^۲

۱. پاک‌نیا، عبدالکریم، پدر و مادر شما را دوست دارم، ص ۱۷۳.

۲. روزنامه اطلاعات، ۲۶ مرداد ۱۳۴۹.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر زنی که با شوهرش مدارا نکند و او را بر چیزهایی که فوق توانایی اوست وادار کند، هیچ عمل و حسنه‌ای از او قبول نخواهد شد و روز قیامت در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که بر او خشمگین است»^۱.

بر این اساس، زن با قناعت و تحمل سختی‌ها - حتی باکار - می‌تواند به مرد کمک نماید. اسلام نیز به زنان سفارش نموده است که در برابر مشکلات اقتصادی صبر کند و حتی به شوهرشان کمک نمایند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر زنی که بافندگی کند و با درآمد آن، چیزی برای فرزندان و خانواده‌اش خریداری کند، خداوند پاداش اطعام هزاران گرسنه را به او می‌دهد و نیز ثواب پوشاندن هزاران برهنه را به او عطا می‌فرماید»^۲.

نمونه مهم حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا است که با صبر، قناعت و مدیریت اقتصادی، مهم‌ترین نقش را در موفقیت رسول اعظم داشت و از سوی دیگر بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، همه اموال خویش را در راه اقامه توحید، در اختیار آخرین فرستاده الهی گذاشت. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا»^۳ هرگز هیچ ثروتی همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشید.»

۶. صبر

موفقیت مرد به صبر همسر نیاز دارد؛ زیرا موفقیت در زندگی، مستلزم تحمل شرایط سخت است. چگونگی این شرایط، با توجه به شغل مردان متفاوت است، اما مردان برای تحمل آن، به وجود همسر صبور نیاز دارند؛ زیرا با حضور زن صبور می‌توان با پشتکار و اعتماد به نفس بیشتر، مشکلات را حل کرد؛ آن عده از مردان که قله‌های رفیع موفقیت را کسب نمودند، همسران صبور را همراه داشتند.

همسر حضرت امام عَلَيْهِ السَّلَام نماد صبر و استقامت بود. او در تمام شرایط سخت، با شکیبایی و استقامت همواره ایشان را یاری می‌کرد. وی پانزده سال، آب و هوای گرم نجف را با مشکلات تحمل کرد و همه‌جا همراه امام بود. یکی از دلایل علاقه بسیار حضرت امام عَلَيْهِ السَّلَام به ایشان، همین

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶.

۲. بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۵۲۳.

۳. طوسی، الامالی، ص ۴۶۸.

صبر بود. امام خمینی، همیشه می‌فرمودند: «خانم بی‌نظیر است! زجری که این خانم کشیده، هیچ‌کسی نکشیده».^۱

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «به‌راستی که خداوند - عز و جل - بر زنان و مردان جهاد را واجب کرده است؛ اما جهاد مردان آن است که (برای حفظ دین و مملکت) مال و خون خود را بذل کنند تا در راه خدا کشته شوند و جهاد زنان آن است که در مقابل دشواری‌های زندگی همسر صبر کنند».^۲

۷. عفت و پاکدامنی

پاکدامنی همسر، از دیگر عوامل موفقیت مرد می‌باشد. زنان و مردان پول‌دار، چنانچه فاقد تقوا و تعهد باشند، مال و ثروت خود را به رخ همسر می‌کشند و روح و روان او را می‌آزارند. هم‌چنین همسران زیبا، اگر بهره‌پاکی نداشته باشند، در کمین صیادان منحرف و عیاشان قرار می‌گیرند و نظام مقدّس خانواده را لگه‌دار می‌سازند. به این جهت، اسلام دستور می‌دهد که «در گزینش همسر، تنها «جمال و مال» را در نظر نگیرید؛ بلکه دیانت و تعهد او را بیش‌تر مدّ نظر قرار دهید». از همه مهم‌تر اگر زن تقوا نداشته باشد، ممکن است به همسرش خیانت نماید، درآموزه‌های دینی از معیارهای گزینش همسر، تقوا می‌باشد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «از خدا بخواهید تا همسری به شما قسمت کند که عفت داشته، در حفظ ناموس و اموال شوهر سرآمد باشد». حضرت خدیجه رضی‌الله‌عنها از زنان باعفت بود، وی در دوران جوانی جزو ثروت‌مندترین افراد قریش شد^۳ و چون خود را به دست امواج سهمگین جاهلیت نسپرد، در نزد قریش جایگاه رفیعی یافت و به درجه‌ای از کمال و پاکی رسید که به او لقب «طاهره» دادند.^۴

ابوطالب رضی‌الله‌عنه به هنگام خواندن خطبه عقد، از دواج پیامبر صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم و خدیجه را چنین توصیف کرد: «إِنَّ خَدِيجَةَ امْرَأَةً كَامِلَةً مَيْمُونَةً فَاضِلَةً تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذَرُ الشَّنَارَ؛^۵ همانا خدیجه، بانویی

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی‌الله‌عنه، قدس ایران بانوی بزرگ انقلاب، ص ۵۷ - ۷۰.

۲. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲.

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.

۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۳۷۹؛ حلبی، أبو الفرج، السیره الحلبيه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۶.

کامل، پریمیمنت و مبارک و زینده است؛ بانویی که ساحتش از هر ننگ و بدنامی دور بوده، با شخصیت و آبرومند است».

متأسفانه امروزه این امر کم رنگ شده است. برخی زنان به بهانه تجدد گرایی، عفت را نادیده می‌گیرند مثلاً یکی ارزش‌های مهم که برخی رعایت نمی‌کنند حجاب است.

مرحوم آیت الله سید باقر مجتهد سیستانی، پدر آیت الله سید علی سیستانی، از علمای بزرگ در مشهد مقدس برای آن‌که به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا در چهل جمعه، و هر هفته در مسجدی از مساجد شهر را آغاز می‌کند ایشان فرمودند: «در یکی از جمعه‌های آخر، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه نزدیک آن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم می‌تابید. حال عجیبی به من دست داد. از جای برخاستم و به دنبال آن نور به در آن خانه رفتم. خانه کوچک و فقیرانه‌ای بود. از درون خانه نور عجیبی می‌تابید. در زدم. وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم حضرت ولی عصر علیه السلام در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف داشتند. در آن اتاق جنازه ای دیدم که پارچه‌ی سفیدی به روی آن کشیده بودند. وقتی وارد شدم و اشک ریزان سلام کردم، حضرت به من فرمودند: «چرا این‌گونه به دنبال من می‌گردی و رنج‌ها را متحمل می‌شوی؟ مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من دنبال شما بیایم.» بعد فرمودند: «این بانویی است که در دوره بی‌حجابی (رضاخان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامده؛ مبادا نامحرم او را ببیند».^۱

۸. مدیریت خانواده

مدیریت و نظام‌سازی خانواده از عوامل مهم موفقیت مردان است که بخش عمده آن بر عهده زنان است، زیرا مردان بنابر مسئولیت‌های خود، در صدد مدیریت کارهای بیرون از خانه و تلاش برای رسیدن به اهداف‌شان هستند. این مدیریت را می‌توان در دو عرصه بررسی نمود:

- تربیت فرزندان

تعلیم و تربیت فرزندان در زندگی مشترک... برعهده زنان است؛ و آن‌ها باید به‌گونه‌ای عمل کنند که همسرشان آسوده‌خاطر در مسیر موفقیت‌های علمی و اقتصادی گام بردارند، که اگر فرزندان

1. <https://rasekhoon.net/article/print/>.

یک خانواده موفق باشند، مرد خانواده بدون دغدغه، رسالت خود را انجام می‌دهد و اما اگر زن نخواهد و یا نتواند این وظیفه را انجام دهد، مرد در اداره‌ی زندگی شکست می‌خورد. چنانچه علامه طباطبایی بعد از مرگ همسر خود گفت: «مرگ حق است. همه باید بمیریم. من برای مرگ همسرم گریه نمی‌کنم. گریه من برای صفا و کدبانوگری و محبت‌های خانم است. ما زندگی پرفراز و نشیبی داشته‌ایم. در نجف اشرف با سختی‌هایی مواجه می‌شدیم. من از حواجج زندگی و چگونگی اداره آن بی اطلاع بودم. اداره زندگی به عهده خانم بود. در طول مدت زندگی ما هیچ‌گاه نشد که خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم کاش این کار را نمی‌کرد، یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود. در تمام دوران زندگی ما هیچ‌گاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی؟ یا چرا ترک کردی؟»^۱

– سامان‌بخشی امور خانه

یکی از مسائل مهم در زندگی مشترک، نظام‌بخشی امور خانه است؛ یعنی زن وضع خانه را باید به گونه‌ای سامان دهد که همه چیز سر جای خود قرار گرفته باشد، و این همان نظمی است که اهل بیت علیهم‌السلام به آن بسیار اهمیت داده‌اند؛ تا آنجا که علی علیه‌السلام در وصیت‌نامه خود فرمود: «وَمَنْ بَلَّغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ»^۲ به هر که وصیتم برسد، توصیه به تقوای الهی و نظم در امور می‌کنم.»

امام صادق علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ»^۳ هر زنی که در خانه همسرش چیزی را جابه‌جا کند تا امور خانه را سامان دهد، خداوند به او نظر لطف خواهد داشت و آن‌کس که مورد لطف و عنایت خدا باشد، عذاب نخواهد شد.»

۹. مدیریت‌پذیری و اطاعت زن از مرد

یکی از چالش‌هایی که ممکن است بین زن و شوهر به وجود آید، پذیرش مدیریت مرد است. زن تصور می‌کند که چرا مرد باید مدیر خانواده باشد؟ حقیقت این است که واگذاری مدیریت به مرد، با توجه به مسئولیت‌های او، مانند تأمین مخارج زندگی و سرپرستی فرزندان، امری

۱. حسینی طهرانی، محمدحسین، *مهرتابان* (یادنامه علامه طباطبایی)، ص ۲۵.

۲. سیدرضی، *نهج البلاغه*، ص ۴۲۲.

۳. شیخ صدوق، *الأمالی*، ص ۴۱۲؛ *حرّ عاملی*، *وسائل الشیعه*، ج ۲۱، ص ۴۵۱.

منطقی است. قرآن نیز مدیریت خانه را از آن مرد می‌داند: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...»^۱ مردان، سرپرست و نگهدارنده زنان اند...».

بنابراین، وظیفه قانونی زن، پذیرش مدیریت شوهر است. اگر این امر رعایت نگردد، بعید نیست زن و شوهر درگیر اختلافات شوند و نتیجه آن عدم موفقیت مرد خواهد بود. پُر واضح است که مدیریت به معنای «استبداد، خودرأیی و خودمحوری» نیست؛ بلکه به معنای «تدبیر صحیح در مجموعه تحت مدیریت» است. از این رو، اگر خداوند می‌فرماید «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، همراه با آن، توصیه‌هایی چون «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»^۲ و یا «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۳ را نیز مطرح می‌نماید.

مدیریت مرد، یعنی هدایت‌سازی و رهبری کشتی خانواده به سوی ساحل سلامت و آرامش؛ این مسئولیت سنگین، تنها از عهده مرد برمی‌آید.

زنی خدمت پیامبر ﷺ رفت و پرسید: حق مرد بر زن چیست؟ حضرت ﷺ در پاسخ فرمود: از او اطاعت کرده، نافرمانی نکنند. بدیهی است که یکی از مصادیق اطاعت، مدیریت‌پذیری شوهر است.^۴

گفتنی است که در اسلام، همه اطاعت‌ها از غیر خداوند، مشروط به آن است که معصیت الهی در آن نباشد، اما اگر شوهر فرمان به معصیت داد، مثلاً به همسرش گفت در ماه رمضان، روزه واجب خود را نگیرد، او نباید از شوهر اطاعت کند. پیامبر ﷺ فرمود: «لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^۵ کسی که اطاعت مخلوق را در معصیت خالق آیین خود قرار دهد دین ندارد.».

۱۰. تشویق

بسیاری از مردها برای فتح قله‌های موفقیت، شکست می‌خورند و یا متوقف می‌شوند. از این رو، به عواملی نیاز دارند که از پیمودن مسیر باز نمانند. یکی از این عوامل، تشویق و تحسین است. دیل کارنگی می‌نویسد: "هنگامی که مرد در آستانه شکست قرار می‌گیرد و زمانی که در آتش

۱. نساء، آیه ۳۳.

۲. همان، آیه ۱۳۵.

۳. همان، آیه ۱۸.

۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

۵. قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۹۸.

ناکامی می‌سوزد و احساس می‌کند که همه چیز علیه میل و اراده او در جریان است، به زنی نیاز دارد که به او اعتماد به نفس بدهد و روحیه اش را تقویت کند؛ همان‌گونه که اتومبیل بدون بنزین، روغن و آب به حرکت در نمی‌آید، مرد نیز بدون داشتن یک مشوق که به او ایمان داشته باشد به پیمودن مدارج موفقیت قادر نخواهد بود. تشویق و ترغیب، سبب تقویت فکری و روحی مرد می‌شود. تشویق، شکست یک مرد را به فتح تبدیل می‌کند.^۱

متأسفانه برخی زنان به جای تشویق و دادن روحیه، شوهر را تحقیر می‌کنند این‌گونه زن‌ها باید بدانند که خوار کردن شوهر گناه غیر قابل بخشش است. جریحه دار کردن غرور یک مرد برای او خیلی گران تمام می‌شود و امکان دارد در زندگی زناشویی تأثیر نامطلوب دائمی بگذارد.^۲ لوئیس ترمان روان‌شناس مشهور، مطالعه دقیقی در زندگی ۱۵۰۰ خانواده کرده است که نتیجه آزمایش ثابت کرده شوهرها نق‌نق کردن زن را بزرگ‌ترین و کشنده‌ترین عیب می‌دانند.^۳

۱۱. اخلاق‌مداری

کسی که خوش‌اخلاق باشد، با مردم خوش‌رفتاری کند، با چهره‌ای خندان سخن بگوید و در برابر مشکلات بردبار باشد، همواره عزیز و محترم است؛ اما کسی که بداخلاق باشد و با صورت درهم‌کشیده با مردم ملاقات کند و یا تندخو و بدزبان باشد، زندگی تلخ و ناگواری خواهد داشت. خوش‌اخلاقی، برای همه به‌ویژه برای زن و شوهر لازم است؛ زیرا این دو، سال‌های طولانی زندگی مشترکی را با هم تجربه می‌کنند.

اگر زن می‌خواهد خودش، همسر و بچه‌هایش، طعم زندگی سعادت‌مند را بچشند، باید اخلاقش را اصلاح کند.

گویند: زنی به دادگاه شکایت کرد که شوهرم همیشه ناهار و شام را بیرون از خانه می‌خورد. شوهر جواب داد: علت این است که زخم اصلاً با من سازگاری ندارد و بداخلاق‌ترین زن دنیاست. زن ناگهان خیز برداشت و در حضور اعضای داوری، شوهرش را کتک زد.^۴

۱. کارنگی، دوروتی، آیین همسرمداری، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۵۸.

۳. <http://moshavereh.porsemani.ir/conten>.

۴. امینی، ابراهیم، همسرمداری، ص ۵۴ - ۵۵.